

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دگرمن احمد کندهاری

۳۰ اپریل ۲۰۱۷

کودتای شوم و خونین هفت ثور تصادفی نبود

طوری که «سلیمان لایق» در گرد همائی رفقای هم کیش و هم جرمش که همه از ردیف کادر های حزب «خلق-پرچم» بودند در کانال تلویزیون طلوع به غرور پاپیوار اعلام می نماید که از کودتای هفت ثور اتحاد جماهیر شوروی آگاهی نداشت و این یک حرکت مستقلانه و ابتکار حزب بود ، فهمیده شده نمی تواند رفیق!! «لایق» با مسخ نمودن صفحه تاریخ خود را اغوا می کند و یا باز هم به فریب مردم و جوانان کشور کمر بسته و این هم از همان نوع دروغ و فریبکاری های به اصطلاح حزب «د.خ.» می باشد که بیشرمانه کودتا را انقلاب گفتند ممکن تنورپس «سلیمان لایق» فرق و معنای انقلاب و کودتا را هم نفهمد . این راقم من حیث یک نظامی که از جریانات سیاسی اردو در آنزمان نظاره گر و تا اندازه ای هم کاوشگر جریانات در اردو بودم؛ خواستم در رابطه به وقوع کودتای شوم هفت ثور جهت آگاهی جوانان و علاقه مندان مکئی روشنگرانه داشته باشم.

بعد از پیروزی کودتای سفید «۲۶ سرطان ۱۳۵۲ ش» زنگ خطر قدرت نمائی جنرالان کاغذی و متکبر اردو از گوش کسانی که دل به کودتا بسته بودند خاموش گردید .

افسران رده های پائین اردوی شاهی از کمی معاش و زندگی فقیرانه و نداشتن سرپناه رنج می بردند؛ خرد ضابطان که از نظر کمی در صفوف پائینی اردو در اکثریت بودند ، در همان شب و روز به غرض خواستهای صنفی شان در حالت گردهمائی و مبارزه بودند که خواست های آنها عبارت بود از ترفیع به رتبه افسری و فراهم شدن امکانات ادامه تحصیل .

بعد از پیروزی کودتای «۲۶ سرطان ۱۳۵۲» تحت یک فرمان اجرائی همه خرد ضابطان اردو بدون اخذ سجل و بررسی دوره خدمت که طبق قوانین ترفیع و تقاعد ایجاب می نمود به رتبه دریم بریدنی ترفیع نمودند و کسانی که برای این خواست زندانی شده بودند مورد عفو قرار گرفته و از زندان رها گردیدند ؛ قابل تذکار می باشد که خلقی ها در جریان این خیزش صنفی هیچ نقشی نداشتند. سردار کهنه کار با شناختی که از اردو داشت جهت جلب اکثریت افسران اردو به افسرانی که از فعالان کودتا بودند دو رتبه و به افسران قطعه ۴۴ کماندوی بالای حصار که توسط چند افسر پرچمی در فردای کودتا برای امنیت مخابرات و نقاط مهم شهری توظیف شدند ، گرچه کودتا

الی هفت صبح پیروز بود و هیچ مقاومتی در مقابل خود نداشت ، یک رتبه و برای متبای افسران اردو یک سال قدم منظور نمود .

افسران « پرچمی » و « خلقی » که از نقطه نظر کمی انگشت شمار بودند به اصطلاح مردم شروع به خودنمایی کردند؛ به اصطلاح حزب « دیموکراتیک خلق » با استفاده از تحلیل اوضاع اردو ، برداشت خود را داشتند که در نتیجه در بین صفوف اردو نفوذ و به جلب و جذب آغاز نمودند به ویژه در بین خردضابطان که از شرایط زندگی سخت عقده مند بودند .

طوری که افسران کودتایی نسبت خودخواهی که داشتند از نظام جمهوریت شاهی سردار داوود خان ناراض شده بودند ، مثال خوب آن قادر خان است که از قوای هوایی به مسلخ تبدیل شد و همچنین تغییر و تبدیل چند نفر دیگر از سران افسران کودتایی .

به اصطلاح حزب « د . خ . » از همین خلاء استفاده اعظمی نموده و به جذب آنها متوسل شدند . که از نظر مشاوران « ک . ج . ب » در وزارت دفاع و قطعات اردو پنهان نمانده بود .

در زمان جمهوریت سردار داوود تعداد مشاوران روسی به پنج هزار نفر رسیده بود که به مشوره همین مشاوران تقریری افسران قبلی و جدیداً جذب شده « خلقیها » به ویژه « پرچمیها » به پست های حساس تعیین شدند . در محلی که این راقم وظیفه داشتم یک محل تفریحگاه بود و اکثراً مشاوران جهت تفریح می آمدند و من مهماندار ایشان بودم نقطه ای که قابل یادآوری می باشد ، وقتی که از نظر امور وظیفه ئی با قومندان قواء « جنرال منان » ملاقی می شدم به من توصیه و امر می کرد که تا می توانی از مشاوران « روسی » پذیرائی خوب بکنید که آزرده نشوند . « جنرال منان خان » که در پوهنتون حربی استاد تکنیک توپچی بود و منزلت استادی برمن داشت از جمله مقربترین جنرالها به « داوود خان » بود که به افتخار ترفیع جنرالی اش در ریاست جمهوری دعوت خاصی ترتیب داد . سفارش مهمان نوازی مشاوران روسی را که امر می نمودند ممکن توصیه و امر سردار داوود خان بوده باشد و همچنین جنرال « منان خان » به افسرانی که فکر می شد « خلقی - پرچمی » هستند نزدیک بود ممکن آگاهانه و یا هم ناآگاهانه بوده باشد ؛ ولی افسران « خلقی - پرچمی » آگاهانه تلاش می نمودند که مقرب و مورد اعتماد قومندان های قطعات باشند و این همه مقدمه چینی « خلقیها - پرچمیها » برای اجرای کودتای آینده آنها بود.

در روز کودتای ننگین و خونین هفت ثور اولین جنرالی که توسط کودتایی ها نزدیک قوای چهار زره دار به ضرب کلاشینکوف شهید شد همین جنرال منان بود که روحش شاد .

جناب!! لایق « خلقی - پرچمی - امینی - اخوانی » !

کودتا یک حرکت نظامی ناگهانی و سریع الحریکه بوده که از قبل تحت یک تشکل و انسجام سیاسی پلان و طرح ریزی می گردد، لذا امر و اجرای کودتا تصادفی نبوده بل طبق پلان طرح شده از قبل در زمان معین تحت یک عملیات مساعی مشترکه نظامی غافلگیرانه داخل اجرات می شوند .

چطور قبول باید کرد که پنجهزار مشاور روسی که تعدادی عضویت « ک . ج . ب » را داشتند و تعدادی هم در بطن "جی . آر . یو" یعنی استخبارات اردوی شوروی، و در همه امور اوپراسیونی قطعات اردو ذیدخل و مشاور بودند حتی در امور تعیینات افسران ؛ ولی از وقوع کودتا توسط افسران وابسته به آنها بی خبر بودند ؟

قتل « میر اکبر خیبر » توسط « ک . ج . ب » و انگیزه تظاهرات در شهر کابل تصادفی نبود بلکه جزئی از پلان به اجراء درآوردن کودتا بود . و اگر پلان « ک . ج . ب » نبود پس در دوران زمامداری شما در مورد قتل « خیبر » هیچ گونه تحقیق و بررسی صورت نگرفت و تا اکنون مرموز باقی ماند.

داوود خان که توسط رفقای کودتاجی اش از شاخه پرچم توجهش را در مصروفیت به سرکوبی چند توطئه « نوع کودتا » وابسته به غرب و اخوانیزم معطوف و اغفال شده بود .

دستگاه « ک . ج . ب » به کمک جاسوسان وفادارش توانست رقیبان آینده خویش را نابود نماید ، که در مورد سرکوبی رقیبان به اصطلاح حزب « د . خ . » بزرگترین قربانی جنرال « میر محمد شاه » « سیدامیر خان » « خان محمد خان » مرستیال « کوات خان » و « میوندوال » را می توان مثال آورد .

مولانا چه خوب سروده :

آب در کوزه و ما تشنه لبان می گردیم یار در خانه و ما گرد جهان می گردیم

عشق در سینه و ما بیخبران شهریم محمل اندر گذر و دل به خفاء می بندیم

داوود خان نتوانست که دشمنان اصلی اش را شناسائی کند و به کسانی تکیه نموده که از هیچ گونه اهلیت و کار فهمی برخوردار نبودند.

به اصطلاح حزب « د . خ . » در همان سال کاملاً آماده کودتا بود مگر به اصطلاح عامه مردم ما طفل خام و حرامی به دنیا آمد .

رژیم سوسیال امپریالیست اتحاد شوروی در اقصاد کشور های جهان همچو کودتا ها را به راه انداخته و افغانستان کشور اولی نبوده ؛ از نقطه نظر علم مبارزه طبقاتی کودتا همیشه یک حرکت ضد انقلابی می باشد و هیچ گاهی پشتوانه مردمی ندارد و ناجی آرمانهای خلقهای زحمتکش شده نمی تواند . از جمله می توان از کشور های سومالیایا، سوریه ، عراق ، یمن ، مصر و دیگر کشور های افریقائی که نقطه عطف نابودی و اضمحلال کشور ها و دولت های قانونی ایشان همین کودتا های نظامی و ضد مردمی می باشد .

خاموشی و یا تسلیمی منسوبین اردو از کودتای هفت ثور انگیزه های زیادی داشت که از جمله به ارائه شاخص انها مختصراً می پردازم :

- از تجربه کودتای « ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ » اکثر افسران اردو منتظر رتبه بخشی و احراز مقام و منزلت نظامی شدند .

- امید به بهتر شدن زندگی از نقطه نظر معیشتی و مادی .

- فریب شعار های دور از حقیقت کودتاجی ها که از آبخشور به اصطلاح حزب « د . خ . » سرچشمه می گرفت .

- رقابت های خشک بین اردو و پولیس که نسبت به افسران اردو از زندگی مرفه تر برخوردار بودند .

- از آغاز و فردای کودتای خونین ثور سرکوب بیرحمانه افسران، که به موجب آن عده زیادی راهی زندانها و اعدامگاه ها شدند .

- مشاوران « ک . ج . ب . » با استفاده از سطح بی دانشی سیاسی و حس تسلیم طلبی افسران پایان رتبه و ردیف وسط را جذب و در شبکه های کشفی و جاسوسی استخدام شدند ، که بدین ذریعه سخت حس بی اعتمادی را در بین افسران خلق کرده بودند .

ولی با آنها مقاومت ها به داخل نظام در حال شکلگیری بود و جهت جبران اشتباه و انتقام گیری از نظام خونین و سرکوبگر به داخل اردو از هر روزنه ای برای سرنگونی و ضربه وارد کردن به دولتی که چهره اش افشاء شده

بود به بهای خون و جان فعالانه اشتراک می ورزیدند که مثال های زیادی از مقاومت و خیزش افسران اردو ثبت ورق تاریخ کشور عزیز ما می باشد . به صراحت مشاهده می گردید که در همه سرکوبی های افسران دلیر و از خود گذرمشاوران « ک. ج. ب. » شامل بودند .

نمی دانم که سلیمان لایق به رویت کدام سند مداخله روس ها را نفی می کند . فکر می کند که تاریخ فراموش شده و مردم کور و کر بودند .

سلیمان لایق از برکت استعمار و اشغال آنقدر پررو شده که اظهار می دارد که مجاهدین خائنین بودند ، و خیزش سرتاسری جنگ عادلانه مقاومت مردمی را به مقابل نظام استعماری سوسیال امپریالیزم به مجاهدین اطلاق نموده و خائن خطاب می نماید این یک پدیده جدید نبوده بل در زمان زمامداری خونت و سرکوبگرانه آنها در مورد مقاومتگران کلمه اشرار را به کار می بردند .

از همه گذشته از « لایق » سؤال می شود که در کجای نقشه جهان کودتا مصدر خدمت به مردم گردیده ؟ چون حرکت کودتا همیشه ارمان مردمی نداشته و یک دگرگونی سیاسی به نفع یگ گروه و وابسته به یک کشور استعماری و نظام های سرکوبگر می باشد که بالاخره به یمن جانبازی های توده ها و انقلابات مردمی سرنوشت بدش به فنا و سقوط می انجامد و هیچ گاه کودتا را با انقلاب جا نزیند که جرم نابخشودنی تاریخ می باشد .

سلیمان لایق و رفقاء!! اگر دیروز به ساز سوسیال امپریالیزم می رقصیدند چه فرق می کند اکنون باز هم من حیث وظیفه به ساز امپریالیزم جنایتگستر امریکا می رقصند با یک فرق که حالا دالر مزد می گیرند .

من به همین مختصر بسنده می کنم اگر در خانه کس است همین بس است .

نمی ریم تا روز رستاخیز مردم ما که همه خائنین و جنایتکاران بر سر چوبه دار باشند .

به امید همان روز .

۴/۲۸/۲۰۱۷

۱۳۹۶/ ثور /۸